

تبيين نقش ارتباط و دوستی با اهل بیت علیهم السلام در عزتمندی انسان

مجتبی حیدری *

چکیده

یکی از کارکردهای دوستی با اهل بیت علیهم السلام افزایش عزتمندی افراد است. سؤال قابل طرح این است که این امر چگونه اتفاق می‌افتد؟ دقت در این مطلب ما را با نکات دقیقی در باب ارتباط افراد با اهل بیت علیهم السلام و جایگاه والای آن بزرگواران نزد خدا و عالم آفرینش آشنا می‌کند؛ در مقاله حاضر به تبیین نقش دوستی و ارتباط با اهل بیت علیهم السلام در تقویت عزتمندی و شرافت افراد پرداخته‌ایم:

۱. دوست داشتن و اطاعت از اهل بیت علیهم السلام تقویت بندگی است؛ ۲. دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام دستور خداوند است؛ ۳. یاری اهل بیت علیهم السلام، یاری خداوند است؛ ۴. دوستی با اهل بیت علیهم السلام و پذیرش ولایت ایشان پذیرش ولایت الله است؛ ۵. دوستی و ارتباط با اهل بیت علیهم السلام هم‌نشینی با بهترین و عزیزترین انسان‌هاست؛ ۶. ارتباط با اهل بیت علیهم السلام موجب اصلاح اخلاق و رفتار آدمی می‌شود؛ ۷. دوستی و همراهی با اهل بیت علیهم السلام همراهی با حق و حقیقت است؛ ۸. دوستی و ارتباط با اهل بیت فروتنی در برابر ایشان است؛ ۹. وعده‌های بسیاری به محبان و اطاعت‌کنندگان از اهل بیت علیهم السلام داده شده است.

کلیدواژگان: دوستی اهل بیت، عزتمندی، آثار دوستی با اهل بیت علیهم السلام، عزت در سایه اهل بیت علیهم السلام.

*. عضو گروه اخلاق و اسرار پژوهشکده حج و زیارت.

از ویژگی‌های بسیار مهم و ضروری برای همگان «عزت» و شرافت است. اصل واژه «عزّت» به معنای شکست‌ناپذیری و سخت و محکم بودن است (ابن منظور، ۱۴۱۴ق؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ذیل ماده «عزّ»). از نظر راغب اصفهانی عزت حالتی است که نمی‌گذارد شخص، مغلوب کسی شود و شکست بخورد. نیز «عزیز» کسی است که پیروز می‌شود و شکست نمی‌خورد (همان، ص ۵۶۳-۵۶۴). مصطفوی نیز درباره «عزّ» و مشتقات آن می‌نویسد: اصل ماده «عز» در مقابل ذلت و خواری است. در «العزّة» برتری و چیرگی بر غیر خودش نهفته است و کسی که تفوق دارد... عزت کامل در خداوند متعال است؛ زیرا نور، علم، قدرت، حیات و صفاتش نامتناهی است و او بر جمیع عالم و آسمان و زمین برتری دارد (مصطفوی، ۱۳۶۰ش، ج ۸، ص ۱۱۵). مطابق فرمایش امام صادق عَلَيْهِ السَّلَامُ، «الْعِزَّةُ ضِدُّهَا الذِّلَّةُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۱۲). «ذلیل» در لغت به معنای پست، حقیر، خوار و زبون است (دهخدا، ۱۳۷۵ش، ذیل واژه «ذلیل»); بنابراین «عزت»، که در مقابل ذلت قرار دارد، حالتی روحی در انسان به معنای برتری، سرافرازی، گرانقدر بودن، قدرت و صلابت است. انسان عزتمند کسی است که در جامعه خود احترام و تکریم ببیند، احساس شرافت، بزرگواری و کرامت کند و شاخص و الگوی دیگران معرفی شود.

از سوی دیگر اسلام به مسلمانان دستور می‌دهد که با اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ دوستی کنند (شوری، ۲۳)، با آنان ارتباط داشته باشند و از ایشان اطاعت کنند (محمدی ری شهری، ۱۳۸۵ش، ص ۷۸۴، ح ۹۰۸ - ۹۰۹). دوستی اهل بیت و اطاعت از ایشان مایه سعادت انسان و نجات یافتن از هلاکت در روز قیامت معرفی شده است (همان، ص ۷۸۵، ح ۹۱۰). پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «لَا يَتِمُّ الْإِيمَانُ إِلَّا بِمَحَبَّتِنَا أَهْلَ الْبَيْتِ». (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ص ۱۱۰); «ایمان، کامل نمی‌شود، مگر با دوست داشتن ما اهل بیت». این دوستی و اطاعت می‌تواند به صورت گوناگونی (مانند ذکر صلوات، زیارت از نزدیک یا دور، شرکت در مجالس جشن یا عزای اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ)، عمل به دستوره‌های دینی که اهل بیت بیان یا تبیین می‌کنند) ابراز شود.

سؤال قابل توجه در اینجا این است که آیا بین دوستی و اطاعت اهل بیت علیهم السلام با عزتمندی (به معنایی که در اینجا منظور است؛ یعنی برخوردار بودن از وجاهت و محبوبیت اجتماعی) ارتباطی وجود دارد؟ آیا دوستی و ارتباط با ایشان موجب افزایش عزتمندی آدمی می شود یا نه؟ اگر پاسخ مثبت است، چگونه؟

آنچه ما به اجمال می دانیم این است که دوستی با اهل بیت علیهم السلام، این مقربان درگاه خداوند، و اطاعت از ایشان نقش انکارناپذیری در عزت و وجاهت شخصیت افراد ایفا می کند؛ برای مثال افرادی که به زیارت مراقد مطهر اهل بیت علیهم السلام مشرف می شوند و از این طریق به ایشان ابراز دوستی و اعلام وفاداری و اطاعت می کنند، در دل احساس خوبی از برخوردار شدن از عزت و کرامت نفس پیدا می کنند؛ بنابراین به نظر می رسد در این قسمت، جای تردید برای ما، که خود را دوستاناران ایشان می دانیم، وجود ندارد. مهم پرداختن به قسمت دوم یعنی تبیین این امر است؛ بدین معنا که دوستی با اهل بیت علیهم السلام و حرف شنوی از ایشان چگونه موجب عزت و کرامت نفس و وجاهت شخصیت افراد می شود؟ در این نوشتار به این موضوع خواهیم پرداخت و در حد ظرفیت این مقاله مشخص خواهیم کرد که محبت اهل بیت علیهم السلام ارتباط و اطاعت از آن بزرگواران چگونه عزت و شرافت آدمی را افزایش می دهد؟

۱. تقویت بندگی

مهم ترین و عام ترین وظیفه انسان ها در طول زندگی اطاعت از خداوند است. بسیاری از آیات قرآن کریم انسان ها را به اطاعت از خداوند دستور داده است. تعبیر «أَطِيعُوا اللَّهَ» در آیات فراوانی آمده است (مانند: آل عمران، ۳۲، ۱۳۲؛ نساء، ۵۹؛ مائده، ۹۲؛ انفال، ۱، ۲۰، ۴۶؛ نور، ۵۴).

همچنین رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «إِنَّهُ لَا يُدْرِكُ مَا عِنْدَ اللَّهِ إِلَّا بِطَاعَتِهِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۷۴)؛ «امکان رسیدن به آنچه نزد خداست جز با اطاعت [او] وجود ندارد».

از جمله اموری که با اطاعت خداوند به دست می آید عزت و شرافت است. روایات در این باره فراوان است؛ برای مثال پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «إِنَّ رَبَّكُمْ يَقُولُ كُلَّ يَوْمٍ أَنَا الْعَزِيزُ فَمَنْ

أَرَادَ عِزَّ الدَّارَيْنِ فَلْيُطِيعِ العَزِيزَ» (طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ج ۸، ص ۶۲۸)؛ همانا پروردگار شما هر روز می فرماید: من عزیز هستم؛ پس کسی که به دنبال عزت دنیا و آخرت است باید از عزیز اطاعت کند».

رسول خدا ﷺ همچنين به ابا امامه فرمود: «يا أبا أمامة! أَعِزَّ أَمْرَ اللَّهِ يُعِزُّكَ اللَّهُ» (متقی هندی، ۱۴۰۱ ق، ج ۱۵، ص ۷۸۵، ح ۴۳۱۰۲)؛ «ای ابا امامه، امر خدا را عزیز بدار (به دستور خدا عمل کن) تا خدا تو را عزیز گرداند».

امام علی علیه السلام نیز عزت خود را در بنده خدا بودن می داند و می فرماید: «إِلَهِي كَفَى لِي عِزًّا أَنْ أَكُونَ لَكَ عَبْدًا وَ كَفَى بِي فَخْرًا أَنْ تَكُونَ لِي رَبًّا» (شیخ صدوق، ۱۳۶۲ ش، الف، ج ۲، ص ۴۲۰)؛ «معبودا، برای عزتمندی من همین بس که بنده تو باشم و افتخار من همین بس که تو پروردگار من باشی».

در واقع مادام که این رابطه میان مخلوق و خالق هستی وجود دارد و انسان در مدار اطاعت خداست، عزت نیز هست و چون از این عهد الهی خارج شود، جز ذلتی خفت بار بهره ای نخواهد داشت.

از سوی دیگر خداوند دستور می دهد که مؤمنان کنار اطاعت از خدا از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و اولی الامر نیز اطاعت کنند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ...» (نساء، ۵۹)؛ «ای کسانی که ایمان آورده اید، اطاعت کنید خدا را و اطاعت کنید پیامبر (خدا) و پیشوایان (معصوم) خود را». در واقع اطاعت از پیامبر و خاندان اولی الامر علیهم السلام اطاعت از خدا شمرده می شود؛ چنان که در زیارت جامعه کبیره اینگونه وارد شده است: «مَنْ أَطَاعَكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَ مَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۶۱۷).
از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود:

«مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَحْيَا حَيَاتِي وَ يَمُوتَ مِيتَتِي وَ يَدْخُلَ جَنَّةَ عَدْنٍ مَنزِلِي فَكَانَ يَتَمَسَّكُ قَضِيبًا غَرَسَهُ رَبِّي عِزًّا وَ جَلَّ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ فَلْيَتَوَلَّ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ وَ لِيَأْتَمَّ بِالْأَوْصِيَاءِ مِنْ وُلْدِهِ فَإِنَّهُمْ عِزَّتِي خُلِفُوا مِنْ طِبْتِي» (همو، ۱۳۷۶ ش، ص ۳۶)؛

کسی که خوشحالی اش در این است که به روش زندگی من زندگی کند و بر آنچه من بر آن می‌میرم بمیرد و در بهشت عدن، که پروردگار من درختان آن را غرس کرده سپس به آن گفته ایجاد شو پس ایجاد شده، جای گزیند، باید ولایت علی علیه السلام را اختیار کند و امامت جانشینان از فرزندان او را بپذیرد؛ زیرا آنان خاندان من هستند و از سرشت من آفریده شده‌اند.

بدین ترتیب اطاعت از اهل بیت علیهم السلام نیز موجب عزت و شرافت است، همان‌گونه که اطاعت از خداوند چنین نتیجه‌ای دارد. در واقع بین اطاعت از خدا با اطاعت از پیامبر و اهل بیت علیهم السلام فاصله‌ای نیست و همان نتایج مرتب بر اطاعت از خدا بر اطاعت از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان او نیز مترتب می‌شود.

۲. دستور خداوند

خداوند متعال صراحتاً به دوستی با نزدیکان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، یعنی اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، دستور داده است: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ﴾ (شوری، ۲۳)؛ «بگو من هیچ‌گونه اجر و پاداشی از شما درخواست نمی‌کنم، جز دوست داشتن نزدیکانم (اهل بیت)».

ملاحظه می‌شود که در این آیه شریفه دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام، مزد رسالت و زحمات رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم برای امت خود شمرده شده است. در کنار این آیه، فرمایشات بسیاری نیز از اهل بیت علیهم السلام در لزوم دوستی با ایشان نقل شده است؛ از جمله پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «مَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَمَسَّكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ فَلْيَتَمَسَّكَ بِحُبِّ عَلِيٍّ وَأَهْلِ بَيْتِي» (شیخ صدوق، ۱۳۷۸ق، ص ۵۸)؛ «هر که دوست دارد به دستگیره محکم [الهی] چنگ زند به دوستی علی و اهل بیت من چنگ درزند».

همچنین امام علی علیه السلام فرمود:

«عَلَيْكُمْ بِحُبِّ آلِ نَبِيِّكُمْ، فَإِنَّهُ حَقُّ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَالْمَوْجِبُ عَلَى اللَّهِ حَقَّكُمْ، الْأَتْرُونَ

إلى قول الله تعالى: ﴿قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَى﴾ (لشبی واسطی، ۱۳۷۶ ش، ص ۳۴۲)؛ «بر شما باد دوست داشتن خاندان پیامبرتان؛ زیرا آن حق خدا بر گردن شماست و موجب حق شما بر خدا می شود. آیا نمی بینید این سخن خدای متعال را که بگو: من در ازای این از شما مزدی نمی خواهم، مگر دوستی با خویشاوندان؟»

این گونه روایات در منابع اهل سنت نیز نقل شده است؛ از جمله ترمذی از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل می کند که آن حضرت فرمود: «أَحِبُّوا اللَّهَ لِمَا يَغْدُوكُمْ مِنْ نِعْمِهِ، وَأَحِبُّونِي بِحُبِّ اللَّهِ، وَأَحِبُّوا أَهْلَ بَيْتِي بِحُبِّي» (ترمذی، ۱۴۱۹ ق، ص ۴۷۹)؛ «خدا را به خاطر نعمت هایش، که به شما می دهد، دوست بدارید و مرا به خاطر خدا دوست بدارید و اهل بیتم را به خاطر من دوست بدارید».

دوست داشتن اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَام چیزی جدا از دوست داشتن خدا نیست و کسانی که اهل بیت را دوست دارند در واقع خدا را دوست دارند. در حدیثی از امام صادق عَلَيْهِ السَّلَام می خوانیم: «مَنْ عَرَفَ حَقَّنَا وَأَحَبَّنَا فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۸، ص ۱۲۹)؛ «کسی که حق ما را بشناسد و ما را دوست داشته باشد خدای تبارک و تعالی را دوست داشته است». همچنین در زیارت جامعه کبیره می خوانیم: «مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ ق، ج ۲، ص ۶۱۳)؛ «کسی که شما را دوست داشته باشد خدا را دوست داشته و کسی که با شما بغض و دشمنی ورزد با خدا بغض و دشمنی کرده است».

از سوی دیگر می دانیم که عزت و شرافت تنها در سایه دوستی و ارتباط با خداوند و مقربان درگاه او به دست می آید و کسانی که با دوستی و پذیرش ولایت کافران به دنبال کسب عزت اند چیزی نصیب نخواهند برد. قرآن کریم می فرماید:

﴿الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَلِيَّتُهُمْ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةُ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا﴾ (نساء، ۱۳۹)؛

همانها که کافران را، بجای مومنان، دوست خود بر می گزینند، آیا اینها می خواهند از آنان کسب عزت و آبرو کنند با اینکه همه عزتها مخصوص خدا است!!

بدین ترتیب دوست داشتن اهل بیت علیهم السلام از شأن و جایگاه والای دوستداران ایشان حکایت می‌کند. انسانی که با دوست داشتن آنان محبت خود به خدا را آشکار می‌کند از عزت و شرافت بالایی برخوردار است؛ چنان‌که امام صادق علیه السلام فرمود:

وَاللّٰهُ لَا يُحِبُّنَا مِنَ الْعَرَبِ وَالْعَجَمِ إِلَّا اَهْلَ الْبُيُوتَاتِ وَالشَّرَفِ وَالْمَعْدِنِ، وَلَا يُبَغِّضُنَا مِنْ هُوَلَاءِ وَهُوَلَاءِ إِلَّا كُلُّ دَنَسٍ مُلَصَّقٍ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۳۱۶)

به خدا سوگند که از عرب و عجم، ما را دوست ندارند، مگر کسانی که خانواده‌دار و شریف و اصیل باشند؛ از این رو از اینان و آنان، ما را دشمن نمی‌دارد، مگر کسی که آلوده و بی‌نسب باشد.

۳. یاری خداوند

خداوند از مسلمانان می‌خواهد او را یاری کنند و به آنان وعده می‌دهد که در مقابل، خداوند نیز آنان را یاری خواهد کرد: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنْصُرُوا اللَّهَ يَنْصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ﴾ (محمد، ۷)؛ «ای کسانی که ایمان آوردید، اگر (آیین) خدا را یاری کنید، شما را یاری می‌کند و گام‌هایتان را استوار می‌دارد».

حال این سؤال مطرح می‌شود که آیا خدا نیازی به یاری دیگران دارد؟ خداوند، که خالق همه عالم از جمله آفریننده انسان‌هاست، یاری او چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟ در پاسخ به این پرسش به زیارتی که مرحوم شهید اول در کتاب مزار برای اصحاب امام حسین علیه السلام نقل کرده، توجه می‌کنیم. در آنجا این‌گونه به آن بزرگواران سلام می‌کنیم: «السَّلَامُ عَلَيْنِكُمْ يَا أَنْصَارَ اللَّهِ وَأَنْصَارَ رَسُولِهِ وَأَنْصَارَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ وَأَنْصَارَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ وَأَنْصَارَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ وَأَنْصَارَ الْإِسْلَامِ» (شهید اول، ۱۴۱۰ق، ص ۱۴۷).

اصحاب سیدالشهدا علیهم السلام در عین اینکه انصارالله‌اند، انصار نبی اکرم، امیرالمؤمنین، فاطمه زهرا، حسنین علیهم السلام و انصار اسلام نیز هستند. نصرت خدا یعنی نصرت سیدالشهدا و نصرت دین خدا. البته این دو به هم پیوسته‌اند؛ بدین معنا که نصرت دین خدا جدا از

نصرت اولیای خدا نیست. اگر کسی بخواهد دین خدا را یاری کند، باید ولی خدا را یاری کند؛ به تعبیر دیگر نقطه محوری این است که اصحاب، سیدالشهدا را یاری کردند. این هم نصرت خدا و دین خدا و هم نصرت نبی اکرم، امیرالمؤمنین، صدیقه طاهره و امام مجتبی علیه السلام است. همه اینها به نصرت سیدالشهدا علیه السلام بر می گردد.

به طور کلی در معارف اهل بیت علیهم السلام چنین بیان شده است که انصارالله و امثال اینها باید به نصرت ولی خدا و مشابه این تعابیر تفسیر شود. خداوند می فرماید: ﴿فَلَمَّا آسَفُونَا انْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ﴾ (زخرف، ۵۵)؛ «اما هنگامی که ما را به خشم آوردند از آنها انتقام گرفتیم و همه را غرق کردیم». روایت ذیل این آیه توضیح داده است که معنای «خدا را به اسف آوردند» چیست. مگر خداوند خوشحال و غصه دار می شود؟ اگر این تحولات در خدای متعال پیدا شود، دیگر خدا نیست. امام صادق علیه السلام در این خصوص فرمودند:

إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَأْسَفُ كَأَسْفِنَا وَ لَكِنَّهُ خَلَقَ أَوْلِيَاءَ لِنَفْسِهِ يَأْسِفُونَ وَ يَرْضُونَ وَ هُمْ مَخْلُوقُونَ مَرْبُوبُونَ فَجَعَلَ رِضَاهُمْ رِضَا نَفْسِهِ وَ سَخَطَهُمْ سَخَطَ نَفْسِهِ لِأَنَّهُ جَعَلَهُمُ الدُّعَاءَ إِلَيْهِ وَ الْأَدْلَاءَ عَلَيْهِ فَلِذَلِكَ صَارُوا كَذَلِكَ وَ لَيْسَ أَنَّ ذَلِكَ يَصِلُ إِلَى اللَّهِ كَمَا يَصِلُ إِلَى خَلْقِهِ لَكِنْ هَذَا مَعْنَى مَا قَالَ مِنْ ذَلِكَ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۱۴۴)

«خدای متعال مانند ما متأسف نمی شود؛ اما اولیایی را برای خودش خلق کرده که تأسف می خورند و خشنود می شوند؛ مخلوق اند و تحت ربوبیت خدا می باشند. خدای متعال خشنودی و خشم آنها را خشنودی و خشم خود قرار داده است. چون خدا آنها را دعوت کننده و راهنما به سوی خودش قرار داده است، در نتیجه این گونه گشته اند [و از چنین جایگاهی برخوردار شده اند].»

خدای متعال مانند ما متأسف نمی شود؛ اما اولیایی را برای خودش خلق کرده که به او اختصاص دارند؛ دنبال هیچ چیزی نیستند و همه توجهشان به خداست؛ مانند دیگران نیستند که دنبال همه چیز باشند و حداکثر دنبال خدا هم باشند، بلکه آنها همه توجهشان مستغرق در خداست. آن اولیایی که خدا برای خودش خلق کرده هم رضا دارند و هم

متأسف می‌شوند، ولی در عین اینکه اولیای خدا هستند مخلوق اند و تحت ربوبیت خدا می‌باشند. ایشان از آنجا که ولی خدا هستند (فَجَعَلَ رِضَاهُمْ رِضًا نَفْسِيهِ وَ سَخَطَهُمْ سَخَطَ نَفْسِيهِ) اینها در مقامی هستند که خشنودی و خشمشان خشنودی و خشم خداست. خدای متعال تکویناً و حقیقتاً چنین قرار داده که رضای آنها و سخط آنها رضای او و سخط اوست. پس «آسفونا» یعنی اولیای ما را به اسف آوردند؛ ولی این اسف همان اسف الله است؛ نه به معنای اینکه در خدای متعال تحول ایجاد می‌شود، بلکه این اولیا در مقامی هستند که رضایشان رضای خداست و سخط آنها سخط خداست؛ چون خدا آنها را دلیل و داعی به سوی خودش قرار داده است (سخنرانی آیت الله سید محمد مهدی میرباقری، ۱۱/۰۹/۱۳۹۴ ش، در <http://mirbaqeri.ir/articles>).

در نتیجه ارتباط با اهل بیت (علیهم‌السلام) یاری ایشان و حرکت در مسیر رضایت آنان، یاری خدا و حرکت در مسیر الهی است و جدایی میان آن دو وجود ندارد.

از سوی دیگر خداوند می‌فرماید: ﴿... وَ لَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾ (حج، ۴۰)؛ «و خداوند کسانی را که او را یاری کنند (و از آیینش دفاع نمایند) یاری می‌کند. خداوند قوی و شکست‌ناپذیر است». یاری خدا در حقیقت همان یاری فرستادگان او و نیز ترویج دین و آیینی است که او از طریق انبیا و رسولانش برای هدایت و عبودیت خلقش فرستاده است؛ پس اگر می‌خواهیم خدا را یاری کنیم، باید پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و در غیاب او جانشینان آن حضرت را یاری کنیم؛ چرا که قوام و بقای دین الهی پس از پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) به بقای حجت خداست و نصرت دین الهی به نصرت اوست. در نتیجه نصرت خدا نیز به نصرت او خواهد بود؛ بنابراین بهترین راه و بلکه تنها راه نصرت حق متعال نصرت پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) و جانشینان او خواهد بود. یاری خدا توفیقی است که نصیب هر کس نمی‌شود؛ از این رو دعا برای آن در روایات وارد شده است؛ از جمله در حدیثی از امام باقر (علیه‌السلام) می‌خوانیم: «قُلِ اللَّهُمَّ أَوْسِعْ عَلَيَّ فِي رِزْقِي... وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ تَنْتَصِرُ بِهِ لِدِينِكَ وَ لَا تَسْتَبْدِلْ بِي غَيْرِي» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۵۸۹)؛ «بگو: خدایا، روزی من را وسیع گردان... و مرا از کسانی قرار ده که دین

خود را با آنها یاری می‌کنی و دیگری را جایگزین من نساز.»

همچنین در زیارت جامعه کبیره می‌گوییم: «و نُصْرَتِي لَكُمْ مُعَدَّةٌ حَتَّى يُحْيِيَ اللَّهُ دِينَهُ بِكُمْ وَ يَزِدَّكُمْ فِي أَيَّامِهِ» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۴)؛ «و یاری من برای شما آماده است تا خداوند دینش را با شما زنده کند و شما را در ایام خودش بازگرداند...».

به دنبال آن می‌دانیم که خداوند یاری‌کنندگان دینش و اهل بیت پیامبرش را به حال خود رها نخواهد کرد، بلکه به آنان یاری خواهد رساند و در دنیا و آخرت از عزت، سربلندی، شرافت و کرامت برخوردار خواهد ساخت. در آیه ۴۰ سوره حج دیدیم که خداوند پس از وعده به یاری کسانی که او را یاری کنند می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ﴾. پس کسانی که او یعنی دین او و اولیای الهی را یاری کنند نیز از قوت و عزت الهی برخوردار می‌شوند و عزت و کرامت الهی به آنان نیز عطا خواهد شد.

۴. پذیرش ولایت الله

بی تردید موضوع اصلی رسالت تمام انبیای الهی که افراد بشر را به سوی آن دعوت کرده‌اند اصل توحید و پذیرش ولایت خداوند بر تمامی شئون و عمل به دستورهای اوست. از سوی دیگر خداوند در مسیر اطاعت از خود مجاری و شرایطی را مشخص کرده است که باید به آنها توجه کرد. در واقع خداوند اطاعت از خود را فقط از طریق و مجاری و شرایطی که خود تعیین فرموده است می‌پذیرد. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ﴾ (مائده، ۵۶)؛ «و کسانی که ولایت خدا و پیامبر او و افراد بایمان را بپذیرند (پیروزند زیرا) حزب و جمعیت خدا پیروز می‌باشد». مطابق روایات منظور از «وَالَّذِينَ آمَنُوا» در این آیه امام علی (علیه السلام) است (برای مثال رک. عیاشی، ۱۳۸۰ق، ج ۱، ص ۳۲۹). همچنین امام رضا (علیه السلام) در حدیث معروف به «سلسله الذهب» از قول خدای تعالی می‌فرماید: «كَلِمَةُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي بِشُرُوطِهَا وَأَنَا مِنْ شُرُوطِهَا» (صدوق، ۱۳۹۸ق، ص ۲۵)؛ «کلمه «لا اله الا الله» دژ و حصار محکم من است؛ پس هر کس داخل حصار

من شود از عذاب من در امان است؛ به شرط‌هایی که من از آن شرط‌ها هستم».

در نتیجه خدای متعال ولایت ائمه علیهم‌السلام را واجب کرده و تنها راه پذیرش اعمال عباد را پذیرش «ولایت» ایشان قرار داده است. در واقع تنها ایشان باب‌الله‌اند و طریق دیگری برای قرب به خدا وجود ندارد و تمام راه‌ها به غیر از صراط مستقیم چیزی جز گمراهی نیست. طبق روایات اگر کسی روز قیامت به اندازه اعمال اهل زمین عمل داشته باشد، اما ولایت امام علی علیه‌السلام را نپذیرفته باشد، خداوند او را به رو در دوزخ می‌اندازد (دبلمی، ۱۴۲۷ق، ص ۳۰۹)؛ چنان‌که در فقراتی از زیارت امام زمان عجل‌الله‌تعالی‌فرجه‌الکونین می‌گوییم:

وَأَشْهَدُ أَنَّ بَوْلَايَتِكَ تُقْبَلُ الْأَعْمَالُ وَتَرْكُو الْأَفْعَالُ وَتُضَعَّفُ الْحَسَنَاتُ وَتُمْحَى السَّيِّئَاتُ فَمَنْ جَاءَ بِوَلَايَتِكَ وَاعْتَرَفَ بِإِمَامَتِكَ قُبِلَتْ أَعْمَالُهُ وَصُدِّقَتْ أَقْوَالُهُ وَتُضَعَّفَتْ حَسَنَاتُهُ وَمُحِيَتْ سَيِّئَاتُهُ وَمَنْ عَدَلَ عَنْ وِلَايَتِكَ وَجَهَلَ مَعْرِفَتَكَ وَاسْتَبَدَلَ بِكَ غَيْرَكَ أَكَبَّهُ اللَّهُ عَلَى وَجْهِهِ فِي النَّارِ وَلَمْ يَقْبَلْ لَهُ عَمَلًا وَلَمْ يُقِمَّ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا (كفعمی، ۱۴۱۸ق، ص ۲۸۵).

و شهادت می‌دهم که با ولایت تو اعمال پذیرفته می‌شود و رفتارها پاکیزه می‌گردد و اعمال نیک مضاعف می‌شود و گناهان زدوده می‌گردد؛ پس کسی که ولایت تو را پذیرفته باشد و به امامت تو اعتراف کند اعمالش پذیرفته می‌شود و سخنانش تصدیق می‌گردد و اعمال نیک او مضاعف می‌گردد و گناهانش زدوده می‌شود و کسی که از ولایت تو روی بگرداند و نسبت به تو شناخت نداشته باشد و دیگری را به جای تو برگزیند خداوند او را به رو در آتش می‌اندازد و هیچ عملی را از او نمی‌پذیرد و در روز قیامت برای او هیچ جایگاهی قائل نخواهد بود.

بدین ترتیب اصلی‌ترین مجرا و شرط خداوند برای پذیرش طاعات و عبادات بندگان پذیرش ولایت اهل بیت علیهم‌السلام است؛ چراکه ولایت دلیل و راهنمای دیگر ارکان اسلام است و انسان بدون ولایت گمراه خواهد شد و نخواهد توانست به اصل و حقیقت عبادات، از جمله نماز و روزه و حج و زکات، برسد (ر.ک: کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۱۸).

در زیارت جامعه فقراتی وجود دارد که بر باب الله بودن اهل بیت علیهم السلام و لزوم اعتقاد به ایشان در اعتقاد به توحید دلالت می‌کند.

السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ وَ مَسَاكِينِ بَرَكَتِهِ اللَّهِ وَ مَعَادِنِ حِكْمَةِ اللَّهِ وَ حَفَظَةِ سِرِّ اللَّهِ وَ حَمَلَةِ كِتَابِ اللَّهِ وَ أَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ... السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ وَ الْأَدْلَاءِ عَلَى مَرْضَاةِ اللَّهِ وَ الْمُسْتَقْرِرِينَ فِي أَمْرِ اللَّهِ وَ التَّامِّينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ وَ الْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ وَ الْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَ نَهْيِهِ... (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۰).

سلام بر جایگاه‌های شناخت خدا و مکان‌های برکت خدا و معدن‌های حکمت خدا و نگهبانان راز خدا و حاملان کتاب خدا و جانشینان پیامبر خدا و فرزندان رسول خدا صلی الله علیه و آله... سلام بر دعوت‌کنندگان به سوی خدا و راهنمایان بر خشنودی خدا و استقرار یافتگان در امر خدا و کاملان در محبت خدا و مخلصان در توحید خدا و آشکارکنندگان امر و نهی خدا....

ملاحظه می‌شود که پذیرش ولایت اهل بیت علیهم السلام چیزی جدا از پذیرش ولایت الهیه نیست. ولایت الهیه آن‌گاه تحقق می‌یابد که ولایت اهل بیت علیهم السلام نیز نزد شخص پذیرفته شده باشد. بدون پذیرش ولایت اهل بیت علیهم السلام ولایت الهیه مقبول واقع نمی‌شود؛ بنابراین همان‌طور که پذیرش ولایت الهیه به انسان موحد عزت و شرافت می‌دهد، پذیرش ولایت اهل بیت علیهم السلام نیز شرافت و کرامت را برای موحدان و موالیان اهل بیت علیهم السلام به دنبال دارد. دوستی و ارتباط با اهل بیت قرار گرفتن زیر بیرق دینی است که خداوند به آن رضایت داده است. مشخص است که خداوند این افراد را از عزت و شرافت دنیا و آخرت بهره‌مند می‌گرداند. در واقع این فرمایش خداوند شامل آنان نیز می‌شود: ﴿مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا﴾ (فاطر، ۱۰)؛ «کسی که خواهان عزت است [باید از خدا بخواهد] که تمام عزت برای خداست».

پذیرش ولایت اهل بیت علیهم السلام همان پذیرش ولایت خداوند است و کسانی که به دنبال عزت و شرافت‌اند با پذیرش ولایت اهل بیت علیهم السلام به آن دست می‌یابند. در دعای افتتاح به واسطه

امام عصر عليه السلام از خدا طلب عزت می‌کنیم: «اللَّهُمَّ... وَأَعِزِّزْ بِهِ ذَلَّتْنَا» (کفعمی، ۱۴۱۸ق، ص ۱۹۵)؛ «خدایا، ... و خواری ما را به او عزت ده». از سوی دیگر می‌دانیم که میزان ولایت‌پذیری و اطاعت افراد از اهل بیت علیهم السلام به یک اندازه نیست؛ بنابراین هر قدر سطح ولایت‌پذیری افراد از اهل بیت علیهم السلام بیشتر باشد، از عزت و شرافت بیشتری برخوردار خواهند بود.

۵. هم‌نشینی با بهترین و عزیزترین انسان‌ها

انتخاب دوست و هم‌نشین اهمیت بسیاری دارد. ویژگی‌های هم‌نشین آدمی نیز آثار و پیامدهای انتخاب دوست و هم‌نشین خوب یا بد از اموری است که در منابع دینی آمده؛ از جمله در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله وارد شده است که فرمودند: «قَالَتِ الْحَوَارِيُّونَ لِعِيسَى يَا رُوحَ اللَّهِ مَنْ نُجَالِسُ قَالَ مَنْ يُدَكِّرْكُمْ اللَّهُ رُؤْيُتُهُ وَيَزِيدُ فِي عِلْمِكُمْ مَنْطِقُهُ وَيُرْغَبُكُمْ فِي الْآخِرَةِ عَمَلُهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۳۹)؛ «حواریان به عیسی گفتند: ای روح خدا، با چه کسی هم‌نشینی کنیم؟ فرمود: آن کس که دیدارش شما را به یاد خدا اندازد و گفتارش بر دانش شما بیفزاید و عمل او میل شما را به آخرت بیشتر کند».

همچنین امام علی علیه السلام در توصیه‌نامه خود به امام حسن مجتبی علیه السلام می‌فرماید: «قَارِنِ أَهْلَ الْخَيْرِ تَكُنْ مِنْهُمْ وَبِأَهْلِ الشَّرِّ تَبِنِ عَنْهُمْ» (نهج البلاغه، ۱۴۱۴ق، نامه ۳۱، ص ۴۰۲)؛ «به اهل خیر نزدیک شو تا از آنها شوی و از اهل شر دور شو تا از آنها جدا گردی».

آن حضرت در جای دیگری می‌فرماید: «فَمَنْ اشْتَبَهَ عَلَيْكُمْ أَمْرُهُ وَلَمْ تَعْرِفُوا دِينَهُ فَانظُرُوا إِلَى خُلَطَائِهِ فَإِنْ كَانُوا أَهْلَ دِينِ اللَّهِ فَهُوَ عَلَى دِينِ اللَّهِ وَإِنْ كَانُوا عَلَى غَيْرِ دِينِ اللَّهِ فَلَا حَظَّ لَهُ فِي دِينِ اللَّهِ» (شیخ صدوق، ۱۳۶۲ش، ب، ص ۶)؛ «اگر حال کسی بر شما مشتبه شد و دین او را نشناختید، به هم‌نشینان او نگاه کنید. اگر [هم‌نشینان او] اهل دین الهی باشند، او هم بر دین خداست و اگر بر غیر دین الهی باشند، او نیز بهره‌ای از دین الهی ندارد».

یکی از آثار مجالست با بزرگان و حکیمان عزت و شرافت نفس است. در حدیثی از امام علی علیه السلام می‌خوانیم: «جَالِسِ الْحُكَمَاءَ يَكْمُلُ عَقْلُكَ وَ تَشْرُفُ نَفْسُكَ وَ يَنْتَفِعَ عَنْكَ جَهْلُكَ»

(تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۴۱)؛ «با حکیمان مجالست کن تا عقلت کامل شود و نفست شرافت یابد و جهل از تو دور گردد».

اهل بیت علیهم السلام نزد خداوند جایگاهی والا و شرافت و عزت بی نظیری دارند؛ چنان که برای دیگران دست نیافتنی می نماید. در این باره به فقراتی از زیارت جامعه کبیره توجه می کنیم:

«فَبَلَّغَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ وَأَعْلَى مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ وَأَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ... حَتَّى لَا يَبْقَى مَلِكٌ مُقَرَّبٌ وَلَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ... إِلَّا عَرَفَهُمْ جَلَالَةَ أَمْرِكُمْ وَعِظَمَ حَظِّكُمْ وَكِبَرَ شَأْنِكُمْ وَتَمَامَ نُورِكُمْ وَصِدْقَ مَقَاعِدِكُمْ وَثَبَاتَ مَقَامِكُمْ وَشَرَفَ مَحَلِّكُمْ وَمَنْزِلَتِكُمْ عِنْدَهُ وَكَرَامَتِكُمْ عَلَيْهِ وَخَاصَّتَكُمْ لَدَيْهِ وَفُزُبَ مَنْزِلَتِكُمْ مِنْهُ» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۳-۶۱۴).

در فقرات دیگری از زیارت جامعه کبیره بر عزت و شرافت ائمه اطهار علیهم السلام تأکید شده است: «رَبِّ أَبِي أَنْتُمْ وَأُمِّي وَنَفْسِي وَأَهْلِي وَمَالِي ذِكْرُكُمْ فِي الذَّاكِرِينَ وَأَسْمَاؤُكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ وَأَجْسَادُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ وَأَزْوَاحُكُمْ فِي الْأَزْوَاحِ وَأَنْفُسُكُمْ فِي النَّفُوسِ وَأَثَارُكُمْ فِي الْأَثَارِ وَفُجُورُكُمْ فِي الْفُجُورِ فَمَا أَحَلَّى أَسْمَاءَكُمْ وَأَكْرَمَ أَنْفُسَكُمْ وَأَعْظَمَ شَأْنَكُمْ وَأَجَلَّ حَظَّكُمْ... إِنْ ذَكَرَ الْخَيْرَ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ وَأَصْلُهُ وَفَزَعَهُ وَمَعِدَّتُهُ وَمَأْوَاهُ وَمُنْتَهَاهُ» (همان، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۶۱۶).

بر این اساس و با توجه به روایاتی که در بالا گذشت، هم نشینی با اهل بیت علیهم السلام شرافت آور و کرامت آور است و موجب سرایت عزت و شرافت از ایشان به آدمی می شود و فرد همراه و هم نشین با آنان، به عزت و شرافت در دنیا و آخرت دست می یابد. امام حسن عسکری علیه السلام در این باره فرمودند: «نَحْنُ كَهْفٌ لِمَنْ التَّجَأَ إِلَيْنَا، وَنُورٌ لِمَنْ اسْتَضَاءَ بِنَا، وَعِصْمَةٌ لِمَنْ اعْتَصَمَ بِنَا، مَنْ أَحَبَّنَا كَانَ مَعَنَا فِي السَّنَامِ الْأَعْلَى، وَمَنْ انْحَرَفَ عَنَّا فِإِلَى النَّارِ» (کشی، ۱۳۶۳ش، ج ۲، ص ۸۱۴)؛ «ما پناهگاه هستیم برای کسی که به ما پناه آورد و نور هستیم برای آن که از ما پرتو طلبد و موجب مصونیت کسی هستیم که از ما پناه جوید. هر که ما را دوست بدارد در مراتب بالا با ما خواهد بود و هر که از راه ما کج گردد، به سوی آتش ره خواهد برد».

همچنین امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ أَحَبَّنَا كَانَ مَعَنَا أَوْ جَاءَ مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ هَكَذَا تُمْ جَمَعَ بَيْنَ السَّبَابَتَيْنِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۱۰۶)؛ «کسی که ما را دوست بدارد روز قیامت

این‌گونه با ما خواهد بود [یا با ما خواهد آمد]. سپس بین دو انگشت سبابه خود جمع کردند». بدین ترتیب یکی از علل بهره‌مندی از عزت و کرامت ارتباط با اهل بیت علیهم‌السلام از طریق هم‌نشینی با ایشان است که موجب عزت و کرامت می‌شود.

۶. اصلاح اخلاق و رفتار

یکی از مهم‌ترین وظایف انسان‌ها در طول حیات روی کره خاکی خودسازی و تهذیب نفس است. تنها از این راه است که آدمی به سعادت نائل می‌شود. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا، وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا» (شمس، ۹-۱۰)؛ «که هر کس نفس خود را تزکیه کرده رستگار شد و آن کس که نفس خویش را با معصیت و گناه آلوده ساخته نومید و محروم گشته است».

از آثار بسیار مهم تهذیب نفس در ابعاد گوناگون آن همراهی با اهل بیت علیهم‌السلام و در آمدن در زمره شیعیان ایشان است. اصولاً کسی می‌تواند خود را از همراهان و شیعیان اهل بیت علیهم‌السلام بداند که در خودسازی در مسیر ایشان حرکت کند. روایات بسیاری در این باره وارد شده است؛ از جمله پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم فرمود: «مَا نَظَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَىٰ وَلِيٍّ لَهُ يُجَاهِدُ نَفْسَهُ بِالطَّاعَةِ لِإِمَامِهِ وَالتَّصِيحَةِ إِلَّا كَانَ مَعَنَا فِي الرَّفِيقِ الْأَعْلَىٰ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴۰۴)؛ «خداوند به دوست خود، که خودش را با اطاعت از امام خود و خیرخواهی برای او به رنج و زحمت می‌افکند، از روی رحمت نگاه نمی‌کند، مگر آنکه در آستان قدس الهی با ما خواهد بود». همچنین امام سجاد علیه‌السلام فرمود: «مَنْ أَحَبَّنَا وَعَمِلَ بِأَمْرِنَا كَانَ مَعَنَا فِي السَّنَامِ الْأَعْلَىٰ» (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ص ۲۳۷)؛ «کسی که ما را دوست داشته باشد و به دستورات ما عمل کند در درجات بالا با ما خواهد بود».

امام صادق علیه‌السلام نیز در توصیه‌اش به عبدالله بن جندب فرمود:

يَا ابْنَ جُنْدَبٍ بَلِّغْ مَعَاشِرَ شِيعَتِنَا وَقُلْ لَهُمْ لَا تَدْهَبَنَّ بِكُمْ الْمَذَاهِبُ فَوَاللَّهِ لَا تُسْأَلُ
وَلَا يُسْأَلُ إِلَّا بِالْوَرَعِ وَاجْتِهَادِ فِي الدُّنْيَا وَمُوَاسَاةِ الْإِخْوَانِ فِي اللَّهِ وَكَيْسٍ مِنْ شِيعَتِنَا

مَنْ يَظْلِمُ النَّاسَ يَا ابْنَ جُنْدَبٍ إِنَّمَا شِيعَتُنَا يُعْرِفُونَ بِخِصَالِ شَتَىٰ بِالسَّخَاءِ وَ الْبَدْلِ
لِلْإِخْوَانِ وَ بَأَن يُصَلُّوا الْخَمْسِينَ لَيْلًا وَ نَهَارًا (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۳۰۳)

ای پسر جندب، به شیعیان ما [این پیام را] برسان و به آنان بگو: مبادا راه‌های
گوناگون، شما را به بیراهه بکشاند؛ زیرا به خدا سوگند که ولایت و دوستی ما جز با
پارسایی و سخت‌کوشی در دنیا و همیاری و همدردی با برادران دینی به دست
نمی‌آید و کسی که به مردم ستم کند شیعه ما نیست. ای پسر جندب، همانا
شیعیان ما به خصلت‌های چندگانه‌ای شناخته می‌شوند: به سخاوتمندی و
نیکی به برادران [دینی] و به اینکه در شبانه‌روز پنجاه رکعت نماز می‌خوانند...
این مطلب درباره صفات و رفتارهای اخلاقی بیشتر طرف توجه قرار گرفته است؛
چنان‌که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود:

أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِأَشْبَهِكُمْ بِي قَالُوا بَلَىٰ يَا رَسُولَ اللَّهِ قَالَ أَحْسَنُكُمْ خُلُقًا وَ أَلْيَنُكُمْ كَنَفًا وَ
أَبْرُكُم بِقَرَابَتِهِ وَ أَشَدُّكُمْ حُبًّا لِإِخْوَانِهِ فِي دِينِهِ وَ أَصْبِرُكُمْ عَلَى الْحَقِّ وَ أَكْظَمُكُمْ لِلْغَيْظِ
وَ أَحْسَنُكُمْ عَفْوًا وَ أَشَدُّكُمْ مِنْ نَفْسِهِ إِِنْصَافًا فِي الرِّضَا وَ الْغَضَبِ (کلینی، ۱۴۰۷ق،
ج ۲، ص ۲۴۰، ح ۳۵)

روزی پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از اصحاب خود پرسید: آیا شما را از شبیه‌ترین شما به من
مطلع نکنم؟ گفتند: بلی، ای رسول خدا. فرمود: شبیه‌ترین شما به من کسی است
که خوش‌اخلاق‌ترین، نرم‌خوترین، نیکوکارترین به نزدیکانش، دوست‌دارترین
نسبت به برادران دینی‌اش، صبورترین بر حق، کظم‌غیظ‌کننده‌ترین، در عفو و
گذشت نیکوترین و در خشنودی و خشم با انصاف‌ترین نسبت به خود باشد.

پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ همچنین فرمود: «إِنَّ أَحَبَّكُمْ إِلَيَّ وَ أَقْرَبَكُمْ مِنِّي يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَجْلِسًا أَحْسَنُكُمْ
خُلُقًا وَ أَشَدُّكُمْ تَوَاضُعًا» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۵، ص ۳۷۸)؛ «همانا محبوب‌ترین شما نسبت
به من و نزدیک‌ترین شما به من در روز قیامت خوش‌اخلاق‌ترین و متواضع‌ترین شماست».
می‌بینیم که برای همراهی با اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و شباهت به ایشان باید در اخلاق و عبادت

و همه رفتارها مانند آنان بود. مطابق روایات، خوبی و خوش اخلاقی علاوه بر پیامد مزبور عزت و شرافت آدمی را به دنبال می‌آورد. از این رو می‌بینیم در برخی فرمایشات آن بزرگواران بر نقش حسن خلق در افزایش عزت و شرافت انسان تأکید شده است؛ چنان‌که امام علی علیه السلام فرمود: «رَبِّ عَزِيزٍ اَذَلَّهُ خُلُقُهُ وَ ذَلِيلٍ اَعَزَّهُ خُلُقُهُ» (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۳۰۰)؛ «چه بسیار انسان عزیزی که اخلاقش او را ذلیل کرد و [چه بسیار] انسان ذلیلی که اخلاقش او را عزیز کرد».

امام علی علیه السلام همچنین فرمود: «عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ فَإِنَّهَا رِفْعَةٌ وَإِيَّاكُمْ وَالْأَخْلَاقِ الدَّنِيَّةَ فَإِنَّهَا تَضَعُ الشَّرِيفَ وَ تَهْدِمُ الْمَجْدَ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۲۱۵)؛ «بر شما باد به رعایت مکارم اخلاق؛ چراکه آنها موجب بزرگی آدمی می‌شوند و از اخلاق پست بپرهیزید؛ چرا که آنها انسان شریف را خوار می‌کنند و مجد و بزرگی او را از بین می‌برند».

در نتیجه خودسازی در ابعاد مختلف آن، از جمله در اخلاق و عبادت، موجبات همراهی و هم‌نشینی با اهل بیت علیهم السلام و رضایت ایشان را به دنبال می‌آورد و از این طریق موجبات عزت و شرافت و کرامت فرد را نیز فراهم می‌کند.

۷. همراهی با حق و حقیقت

پیروی از حق و راه درست، که آدمی را به سعادت می‌رساند، حکم فطری عقل هر انسانی است؛ بنابراین اگر انسان احیاناً از آن منحرف، و به غیر حق مایل شود، به علت هوای نفس یا شبهه و اشتباهی است که برای او رخ می‌دهد؛ از این رو خداوند در قرآن همگان را به ایمان به خدای متعال، که امری حق است، دعوت می‌کند و می‌فرماید: «قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَى فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ» (یونس، ۱۰۸)؛ «بگو: ای مردم، حق از طرف پروردگارتان به سراغ شما آمده. هر کس [در پرتو آن] هدایت یابد، برای خود هدایت شده و هر کس گمراه گردد به زیان خود گمراه شده و من مأمور [به اجبار] به شما نیستم».

به دلیل آشکار بودن ضرورت پیروی آدمی از حق و حقیقت، عزت و شرافت آدمی نیز

در گرو آن است. اگر آدمی از این امر سر باز زند و راه باطل در پیش گیرد، جز ذلت و خواری نصیب او نخواهد شد. امام حسن عسکری علیه السلام در این باره فرمود: «مَا تَرَكَ الْحَقَّ عَزِيزًا إِلَّا ذَلَّ وَلَا أَخَذَ بِهِ ذَلِيلٌ إِلَّا عَزَّ» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴ق، ص ۴۸۹). بنابراین عزت و شرافت آدمی جز در سایه تبعیت از حق به دست نمی آید. شرافتمندان عالم عموماً کسانی اند که به دنبال حق و حقیقت و پیروی از آن بوده اند و معاندان و دشمنان حق و حقیقت چیزی جز ذلت و خواری نصیب نبرده اند؛ چنان که امام علی علیه السلام فرمود: «مَنْ يَطْلُبُ الْعِزَّ بِغَيْرِ حَقٍّ يَذِلُّ... وَ مَنْ عَانَدَ الْحَقَّ لَزِمَهُ الْوَهْنُ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۲۰)؛ «کسی که به دنبال عزت باشد از غیرمسیر حق ذلیل شود... و کسی که با حق دشمنی کند خوار گردد».

همچنین امام صادق علیه السلام فرمود: «الْعِزُّ أَنْ تَذِلَّ لِلْحَقِّ إِذَا لَزِمَكَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۲۲۸)؛ «عزت آن است که هنگامی که حق ملازم تو شد در برابر آن خضوع کنی».

از سوی دیگر پیروی از اهل بیت علیهم السلام دستور خدا و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است و هیچ شکی در آن وجود ندارد. پیروی از اهل بیت علیهم السلام سعادت و بهروزی دنیا و آخرت را برای انسان ها به دنبال دارد. بدین ترتیب این کار امر حقی است که همه باید به آن پایبند باشند. عزت انسان ها در دوستی، ارتباط و پذیرش ولایت اهل بیت علیهم السلام و تبعیت از آنان است؛ چرا که این کار حق است و تبعیت از حق با این کار تحقق می یابد. به علاوه اهل بیت علیهم السلام پیشوایان برحق انسان ها و منصوب خداوندند؛ بنابراین آنان ائمه حق اند که باید از ایشان تبعیت کرد؛ چنان که امام علی علیه السلام می فرماید: «النَّاسُ أَتْبَاعٌ مَنِ اتَّبَعُوهُ مِنْ أُمَّةٍ الْحَقِّ وَ أُمَّةٍ الْبَاطِلِ... فَمَنْ اتَّبَعَ بِالصَّادِقِينَ حُسْرًا مَعَهُمْ وَ مَنْ اتَّبَعَ بِالْمُنَافِقِينَ حُسْرًا مَعَهُمْ» (همان، ۱۴۰۳ق، ج ۶۶، ص ۸۱)؛ «مردم [در قیامت] دنباله روی آن پیشوای حق یا پیشوای باطلی هستند که [در دنیا] پیرو او بوده اند... هر کس راستگویان را به پیشوایی بگیرد با آنان محشور و هر کس منافقان را به پیشوایی برگزیند با آنان محشور می گردد».

در نهایت مطابق فرمایشی از رسول خدا صلی الله علیه و آله امام علی علیه السلام با حق همراه است و حق نیز با اوست. اگر کسی می خواهد از حق تبعیت کند، باید از ایشان پیروی کند. ابن عباس از

رسول خدا ﷺ در این باره نقل می‌کند که فرمود: «عَلَيْهِ مَعَ الْحَقِّ وَ الْحَقُّ مَعَ عَلِيٍّ وَ هُوَ الْإِمَامُ وَ الْخَلِيفَةُ مِنْ بَعْدِي فَمَنْ تَمَسَّكَ بِهِ فَازَ وَ نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ ضَلَّ وَ عَوَى» (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ص ۲۰)؛ «علی با حق است و حق با علی است و او امام و جانشین پس از من خواهد بود؛ پس هر کس به او تمسک جوید رستگار شود و نجات یابد و هر کس از او تخلف کند گمراه و هلاک می‌شود».

بدین ترتیب پیروی از اهل بیت (علیهم‌السلام) و در رأس ایشان امام علی (علیه‌السلام) تبعیت و همراهی با حق است و همان‌طور که گفتیم، این کار عزت و شرافت را برای آدمی به دنبال خواهد داشت.

۸. فروتنی در برابر اهل بیت (علیهم‌السلام)

«تواضع» نقطه مقابل «تکبر» است؛ بدین معنا که انسان نزد خویش، خود را از دیگران پایین‌تر بداند و واقعاً برای خودش برتری و مزیتی قائل نباشد و عملاً نیز در ارتباط با دیگران به شأنی کمتر از آنچه مردم برای امثال او قائل‌اند بسنده کند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۰ش، ص ۲۲۷). تواضع صفتی بسیار نیکوست که انسان‌های دارای عزت و شرافت به آن اقدام می‌کنند؛ چنان‌که در حدیثی از امام علی (علیه‌السلام) می‌خوانیم: «زِينَةُ الشَّرِيفِ التَّوَّاضُعُ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۲، ص ۱۲۰)؛ «زینت انسان شریف فروتنی است».

همچنین امام سجاده (علیه‌السلام) در دعای مکارم اخلاق این‌گونه دعا می‌کنند:

اللَّهُمَّ... وَلَا تَرْفَعْنِي فِي النَّاسِ دَرَجَةً إِلَّا حَظَّتْنِي عِنْدَ نَفْسِي مِنْهَا، وَلَا تُخَدِّثْ لِي عِزًّا ظَاهِرًا إِلَّا أَخَدْتْ لِي ذِلَّةً بَاطِنَةً عِنْدَ نَفْسِي بِقَدْرِهَا (صحیفه سجاده، ۱۳۷۶ش، ص ۹۲)

خدایا... و مرا در میان مردم درجه‌ای بالا نبر، مگر اینکه به همان اندازه نزد خودم پایین‌آوری و به من عزتی ظاهری عطا مفرما، مگر آنکه مرا در درون جان خودم به همان اندازه افتادگی عطا فرمایی.

تواضع آثار بسیار مهمی برای انسان دارد که برخی از آنها را که به بحث ما (کسب عزت

و شرافت) مربوط می شود در ادامه می آوریم: یکی از ثمرات تواضع جلب دوستی و محبت دیگران است. در حدیثی از امام علی علیه السلام در این زمینه می خوانیم: «ثَمَرَةُ التَّوَّاضِعِ الْمَحَبَّةُ» (آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۲۷)؛ «ثمره و میوه تواضع کسب محبت دیگران است».

نتیجه دیگر تواضع کسب بزرگی و شرافت است. خداوند کسی را که تواضع کند بالا می برد و به او عزت و کرامت می بخشد. در حدیثی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله می خوانیم: «إِنَّ التَّوَّاضِعَ يَزِيدُ صَاحِبَهُ رِفْعَةً فَتَوَاضَعُوا يَرْفَعُكُمْ اللَّهُ» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۲۱)؛ «فروتنی بر رفعت و جایگاه فرد فروتن می افزاید. پس فروتنی بورزید تا خدا شما را بالا برد».

بر این اساس تواضع در برابر اهل بیت علیهم السلام، که مقرب ترین بندگان به خدای متعال اند، موجب ارتقای جایگاه فرد می شود و بر عزت و شرافت او می افزاید. خداوند کسی را که در برابر آن بزرگواران فروتنی ورزد و کوچکی کند دوست می دارد و او را بالا می برد.

دیگر آنکه تواضع را می توان دو گونه دانست: تواضع در برابر انسان ها و تواضع در برابر خداوند. همانطور که تواضع در برابر انسان های دیگر موجب رفعت جایگاه انسان می شود، تواضع در برابر خداوند نیز بر عزت و شرافت آدمی می افزاید و او را بالا می برد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این باره فرمود: «مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ رَفَعَهُ اللَّهُ، فَهُوَ فِي نَفْسِهِ ضَعِيفٌ وَفِي أَعْيُنِ النَّاسِ عَظِيمٌ، وَمَنْ تَكَبَّرَ وَصَعَهُ اللَّهُ، فَهُوَ فِي أَعْيُنِ النَّاسِ صَغِيرٌ وَفِي نَفْسِهِ كَبِيرٌ؛ حَتَّى لَّهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِمْ مِنْ كَلْبٍ أَوْ خِنْزِيرٍ» (متقی هندی، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۱۱۳، ح ۵۷۳۷)؛ «هر که برای خدا فروتنی کند خداوند او را بالا می برد؛ پس او در نظر خودش ناچیز است، ولی در چشم مردم، بزرگ و هر که بزرگی بفروشد خداوند او را پست می گرداند؛ پس او در چشم مردم کوچک است، ولی در نظر خودش بزرگ. او حتی از سگ و خوک هم در نظر مردم پست تر است».

در حدیث دیگری منقول از امام صادق علیه السلام آمده است: «مَنْ تَوَاضَعَ لِلَّهِ شَرَفَهُ اللَّهُ عَلَى كَثِيرٍ مِنْ عِبَادِهِ» (منسوب به [جعفر بن محمد علیه السلام، ۱۴۰۰ق، ص ۷۲)؛ «کسی که در برابر خدا تواضع کند خداوند او را بر بسیاری از بندگان شرافت و بزرگی می بخشد».

از سوی دیگر می دانیم یکی از شعب تواضع در برابر خدا فروتنی در برابر اهل بیت علیهم السلام

است. همانطور که اطاعت از اهل بیت علیهم السلام اطاعت خدا شمرده می شود، تواضع در برابر ایشان نیز تواضع در برابر خدا به حساب می آید. در نتیجه کسی که در برابر آن بزرگواران فروتنی ورزد خداوند او را شرافت، عزت و کرامت می بخشد. تواضع در برابر عزیزترین و شریف ترین انسان ها نه تنها موجب ذلیل شدن نمی شود، بلکه آدمی را عزیز و شریف می گرداند.

۹. وعده به محبان و اطاعت کنندگان از اهل بیت علیهم السلام

درباره دوستی و همراهی با اهل بیت علیهم السلام روایات بسیاری وارد شده است که برخی از آنها را پیش از این ذکر کردیم. در اینجا به یکی دو نمونه دیگر توجه می کنیم:

امام زین العابدین علیه السلام فرمود: «مَنْ أَحَبَّنَا وَ عَمِلَ بِأَمْرِنَا كَانَ مَعَنَا فِي السَّنَامِ الْأَعْلَى» (خزاز رازی، ۱۴۰۱ق، ص ۲۳۷)؛ «هر که ما را دوست بدارد و به دستور ما عمل کند در مراتب بالا با ما خواهد بود».

همچنین امام صادق علیه السلام فرمود:

لَا يُحِبُّنَا عَبْدٌ إِلَّا كَانَ مَعَنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَاسْتَظَلَّ بِظِلِّنَا وَ رَافَقَنَا فِي مَنَازِلِنَا وَ اللَّهُ وَ اللَّهُ لَا يُحِبُّنَا عَبْدٌ حَتَّى يُطَهَّرَ اللَّهُ قَلْبَهُ وَ لَا يُطَهَّرُ قَلْبَهُ حَتَّى يُسَلِّمَ لَنَا وَ إِذَا سَلَّمَ لَنَا سَلَّمَهُ اللَّهُ مِنْ سُوءِ الْحِسَابِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ أَمِنَ مِنَ الْفَرْعِ الْأَكْبَرِ إِنَّمَا يَغْتَبِطُ أَهْلُ هَذَا الْأَمْرِ إِذَا انْتَهَتْ نَفْسُ أَحَدِهِمْ إِلَى هَذِهِ وَ أَوْمَى بِيَدِهِ إِلَى حَلْفِهِ (ابن حيون، ۱۳۸۵ق، ج ۱، ص ۷۳)

هیچ بنده ای ما [اهل بیت] را دوست ندارد، مگر آنکه در روز قیامت با ما خواهد بود و در سایه سار ما قرار خواهد داشت و با ما در منازلمان دوست و هم نشین خواهد بود. به خدا، به خدا، هیچ بنده ای ما را دوست ندارد، مگر آنکه خداوند قلب او را پاک می گرداند و خداوند قلب او را پاک نمی کند، مگر آنکه در برابر ما تسلیم باشد و زمانی که در برابر ما تسلیم باشد خداوند او را در روز قیامت از بدی حساب ایمن خواهد نمود و از روز هول و هراس بزرگ ایمن خواهد بود. همانا اهل این امر (معتقدان به ولایت اهل بیت) زمانی که جانشان به اینجا برسد [و با

دستش به حلق اشاره نمود] سود می‌برند.

در منابع حدیثی شیعه روایتی نقل شده است که نشان از نقش تأثیرگذار تولی و تبری (دوستی با دوستان اهل بیت و دشمنی با دشمنان آنها) در سرنوشت انسان دارد:

حکَم بن عُتیبه می‌گوید: روزی در محضر امام باقر علیه السلام نشسته بودیم و اتاق نیز مملو از جمعیت بود. ناگاه پیرمردی که تکیه بر عصای بلندی کرده بود وارد شد؛ دم در ایستاد و گفت: «سلام و رحمت خدا و برکاتش بر تو باد ای فرزند رسول خدا!» و پس از آن ساکت شد. امام باقر علیه السلام پاسخ داد: «و علیک السّلام و رحمة الله و برکاته». پیرمرد رو به حاضران کرد و به آنان نیز سلام داد و همچنان ایستاد تا همگی جواب سلامش را دادند؛ آن‌گاه روی خود را به سمت امام باقر علیه السلام کرد و گفت: «ای فرزند رسول خدا، مرا نزدیک خود بنشان که به خدا سوگند من به شما و دوستانانتان علاقه‌مندم. به خدا سوگند این دوستی‌ها برای دنیا نیست و به خدا من دشمن دارم دشمنانتان را و از آنان بیزارم. به خدا این دشمنی و بیزاری به این دلیل نیست که آنان فردی از اطرافیانم را کشته باشند. به خدا سوگند من حلال شما را حلال می‌دانم و حرامتان را حرام می‌شمارم و چشم به فرماتتان دارم. قربانت گردم، آیا [با این ترتیب] درباره من امید [سعادت و نجات] داری؟»

امام باقر فرمود: پیش بیا، پیش بیا. سپس او را نزد خود نشانده و فرمود: «ای پیرمرد، همانا مردی نزد پدرم علی بن حسین علیه السلام شرفیاب شد و همین پرسش را مطرح کرد. پدرم به او فرمود: اگر [با این حال] بمیری، به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، علی، حسن، حسین و علی بن حسین علیهم السلام وارد شوی و دلت خنک شود، قلبت آرام گیرد، دیده‌ات روشن گردد و به همراه نویسندگان اعمال با روح و ریحان از تو استقبال شود و این در وقتی است که جان به اینجای تو رسد- و با دست به گلوی اشاره فرمود- و اگر زنده بمانی، آنچه را موجب چشم‌روشنی‌ات هست ببینی و در بالاترین درجات بهشت با ما خواهی بود».

پیرمرد گفت: چه فرمودی ای اباجعفر؟! [پیرمرد با تعجب از امام خواست تا کلامش را تکرار کند] امام علیه السلام همان سخنان را برای او تکرار کرد. پیرمرد گفت: «الله اکبر، ای اباجعفر، اگر بمیرم،

به رسول خدا، علی، حسن، حسین و علی بن حسین علیهم السلام درآیم و دیده‌ام روشن گردد، دلم خنک شود، قلبم آرام گیرد و به همراه نویسندگان اعمالم با روح و ریحان مورد استقبال قرار گیرم، هنگامی که جانم به اینجا رسد و اگر زنده بمانم، بینم آنچه را دیده‌ام بدان روشن گردد و با شما باشم در بالاترین درجات بهشت؟» این جملات را گفت و آن قدر گریه کرد تا نقش بر زمین شد. حاضران نیز که حال پیرمرد را دیدند به گریه و زاری پرداختند. امام باقر علیه السلام [که چنان دید] با انگشت خود قطرات اشک را از گوشه‌های چشم آن پیرمرد پاک کرد. پیرمرد سر بلند کرد و عرضه داشت: «دستت را به من بده، قربانت گردم!» حضرت دستش را به پیرمرد داد و او دستشان را می‌بوسید و بر دیده و رخ خود می‌گذارد. سپس شکم و سینه خود را گشود و دست بر شکم و سینه‌اش گذارده برخاست و خداحافظی کرده، به راه افتاد.

امام باقر علیه السلام نگاهی به پشت سر پیرمرد کرد و رو به حاضران فرمود: «هر کس می‌خواهد مردی از اهل بهشت را ببیند به این مرد بنگرد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۸، ص ۷۶).

آنچه در این روایات، به خصوص روایت اخیر، آمده بر منزلت و جایگاه والای دوستداران اهل بیت علیهم السلام، که محبت آن بزرگواران وجود آنان را در بر گرفته است، دلالت می‌کند. آدمی هنگامی که از مرتبت رفیع خود نزد خدا به دلیل عشق و علاقه به اهل بیت علیهم السلام و پیروی از ایشان آگاه می‌شود، به طور طبیعی درون خود احساس عزتمندی و شرافت می‌کند و از این امر به خود می‌بالد.

نتیجه‌گیری

آنچه می‌توان به طور کلی از این نوشتار نتیجه گرفت این است:

۱. تأثیر ارتباط و دوستی با اهل بیت علیهم السلام در برخورداری آدمی از عزت، شرافت ووجاهت شخصیت امری واقعی است، نه صرفاً ساخته و پرداخته خیال‌پردازی آدمی. مؤمنان راستین به دلیل ارتباط مؤمنانه و برخاسته از اعتقاد راسخ به جایگاه اهل بیت علیهم السلام نزد خداوند و در جهان آفرینش از عزت و شرافت واقعی درون خود و نیز نزد مردم برخوردارند. آنان همچنین به

دلیل افاضه نور الهی از مسیر اهل بیت علیهم السلام بر وجودشان نورانیتی بالاتر از دیگران دارند و در هر محیط اجتماعی ای که قرار می‌گیرند فضا را آکنده از نور الهی می‌کنند.

۲. مسیر ارتباط و دوستی با اهل بیت علیهم السلام کوتاه‌ترین و در دسترس‌ترین مسیر برای برخورداری از عزت، شرافت و نورانیت الهی است. در واقع خداوند اهل بیت علیهم السلام را وسائط فیض خود قرار داده است تا انسان‌ها از این مسیر سریع‌تر و سهل‌تر به قرب الهی نائل آیند و از فیض الهی بهره‌مند شوند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی.
- * نهج البلاغه (نسخه صبحی صالح)، به گردآوری محمد بن حسین شریف الرضی، ۱۴۱۴ق، قم، هجرت.
- * صحیفه سجادیه، علی بن الحسین علیه السلام، قم، دفتر نشر الهادی.
- ۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد (۱۴۱۰ق)، غرر الحکم و درر الکلم، ج ۲، تحقیق سید مهدی رجائی، قم، دارالکتاب الإسلامی.
- ۲. ابن حیون، نعمان بن محمد (۱۳۸۵ق)، دعائم الاسلام و ذکر الحلال و الحرام و القضايا و الأحكام، ج ۲، تحقیق آصف فیضی، قم، مؤسسه آل‌البت علیهم السلام.
- ۳. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۴۰۴ق/۱۳۶۳ش)، تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیه و آله، ج ۲، قم، جامعه مدرسین.
- ۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، ج ۳، بیروت، دارالفکر/دار صادر.
- ۵. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۱۹ق)، سنن الترمذی، تحقیق و شرح احمد صمد شاکر، قاهره، دارالحديث.
- ۶. [منسوب به] جعفر بن محمد، امام ششم علیه السلام (۱۴۰۰ق)، مصباح الشریعة، بیروت، اعلمی.
- ۷. جمعی از نویسندگان (زیر نظر مهدی علیزاده) (۱۳۹۰ش)، اخلاق اسلامی: مبانی و مفاهیم، قم، دفتر نشر معارف.
- ۸. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ق)، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسه آل‌البت علیهم السلام.
- ۹. خزاز رازی، علی بن محمد (۱۴۰۱ق)، کفایة الأثر فی النص علی الأئمة الإثنی عشر، تحقیق عبداللطیف حسینی کوه‌کمری، قم، نشر بیدار.

۱۰. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۵ش)، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
۱۱. دیلمی، حسن بن محمد (۱۴۲۷ق)، غرر الأخبار و درر الآثار فی مناقب أبی الأئمة الأطهار عليهم السلام، قم، دلیل ما.
۱۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، المفردات فی غریب القرآن، بیروت/دمشق، دار العلم / دار الشامیة.
۱۳. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۰ق)، المزار فی کیفیة زیارات النبی و الأئمة عليهم السلام، قم، مدرسه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الیوقف.
۱۴. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۷۸ق)، عیون أخبار الرضا عليه السلام، تحقیق مهدی لاجوردی، تهران، نشر جهان.
۱۵. ----- (۱۳۹۸ق)، التوحید، تحقیق هاشم حسینی، قم، جامعه مدرسین.
۱۶. ----- (۱۳۶۲ش)، الف، الخصال، قم، جامعه مدرسین.
۱۷. ----- (۱۳۶۲ش)، ب، صفات الشیعة، تهران، أعلمی.
۱۸. ----- (۱۴۱۳ق)، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، قم، جامعه مدرسین.
۱۹. ----- (۱۳۷۶ش)، الأمالی، ج ۶، تهران، کتابچی.
۲۰. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، با مقدمه محمد جواد بلاغی، ج ۳، تهران، انتشارات ناصر خسرو.
۲۱. عیاشی، محمد بن مسعود (۱۳۸۰ق)، تفسیر العیاشی، تحقیق سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، انتشارات علمیة.
۲۲. کشی، محمد بن عمر (۱۳۶۳ش)، رجال الکشی (اختیار معرفة الرجال)، مع تعلیقات میرداماد الأسترآبادی، قم، مؤسسة آل البيت.
۲۳. کفعمی، ابراهیم بن علی (۱۴۱۸ق)، البلد الأمين و الدرع الحصین، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات.
۲۴. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، ج ۴، تهران، دار الکتب الإسلامیة.
۲۵. لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، تحقیق حسین حسینی بیرجندی، قم، دار الحدیث.
۲۶. متقی هندی، علاء الدین علی بن حسام الدین (۱۴۰۱ق/۱۹۸۱م)، کنز العمال فی سنن الأقال و الأفعال، تحقیق بکری حیانی صفوة السقا، بیروت، مؤسسة الرسالة.

۲۷. مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ق)، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، ج ۲، بیروت، دار إحياء التراث العربی.
۲۸. محمدی ری شهری، محمد، با همکاری رسول موسوی (۱۳۸۵ش)، اهل بیت علیهم السلام در قرآن و حدیث، ترجمه حمیدرضا آذیر و حمیدرضا شیخی، ج ۷، قم، دار الحدیث.
۲۹. مصطفوی، حسن (۱۳۶۰ش)، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۳۰. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، قم، کنگره شیخ مفید.
31. <http://mirbaqeri.ir/articles> پایگاه اینترنتی.